روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

حضرت امام صادق(ع):
خدا دنیا را به دوست و دشمنش عطا می‌کند ولی ایمان را فقط به کسی می‌دهد که او را دوست دارد.

به عبارت دیگران

اختلاف‌افکنی شاه بین مراجع

گردآورنده: تقی دژاکام

شنبه ۵۱/۲/۲: صبح شرفیاب شدم. کارهای نفتی را عرض کردم. آیت‌الله خوانساری که مقلد [مرجع تقلید] شیعیان و در تهران است گزارش عرض کرده بود که مسجد و مدرسه جعفری جنب صحن عتیق را تعمیر کند، تصویب فرمودند. فرمودند: بهتر است پای خوانساری را در مشهد باز کنیم که آنجا دربست در دست میلانی مجتهد و مقلد شیعیان که در مشهد سکونت دارد نباشد. احسنت بر این فکر و پیش‌بینی دقیق شاه.

یادداشت‌های اسدالله علم
انتشارات کتابسرا - جلد ۲، صفحه ۲۳۱

***

فقط آقای خمینی!

یک شب من به اتفاق ۲ تن از طلاب خراسانی به محضر ایشان [آیت‌الله وحید خراسانی] رفتیم و من مطلب را مطرح کردم. گفتم: به نظر شما بین آیت‌الله میلانی و آیت‌الله خمینی کدام‌یک مقدم هستند؟ ایشان فرمود: آقای خمینی. گفتم: نسبت به آقای قمی چطور؟ فرمود: آقای خمینی. گفتم: به مرحوم آقای سیداحمد خوانساری چطور؟ فرمود: آقای خوانساری فقه خوبی دارد اما به پای خمینی نمی‌رسد. گفتم: خُب بین مراجعی که در قم هستند بین آیت‌الله شریعتمداری و آقای خمینی کدام‌یک ارجح است؟ ایشان گفت: آقای خمینی. گفتم: آقای گلپایگانی و خمینی؟ گفت: آقای خمینی. گفتم: آقای خمینی و آقای مرعشی‌نجفی؟ ایشان فرمود: خمینی. مراجع ایران که تمام شد رفتیم سراغ مراجع نجف. گفتم بین آقای خمینی و آقای حکیم؟ ایشان فرمودند: آقای خمینی. آقایان دیگر هم بودند یکی‌یکی اسم بردم. ایشان گفت: آقای خمینی. فقط باقی ماند آقای خویی. گفتم خوب حالا رسیدیم به بزنگاه، بین آقای خویی و آقای خمینی به نظر شما کدام‌یک مقدم است؟ گفت: رسیدی به همان‌جایی که برای من مشکل است نظر بدهم، ولی اینقدر بگویم که بین آقای خویی و آقای خمینی یا تقلید از آقای خمینی معیّن است یا طرف تخییر است. یعنی فرد حتماً باید از آقای خمینی تقلید کند یا اینکه از یکی از این دو تا، اینها را مساوی ببینید.

اسماعیل فردوسی‌پور / خاطرات
نشر عروج - صفحه ۱۰۰

***

از سرنوشت معمر قذافی عبرت بگیرید!

س- ارتشبد کیم! چرا به تولید و آزمایش سلاح و موشک‌های هسته‌ای ادامه می‌دهید، با اینکه می‌دانید نتیجه‌اش تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده خواهد بود؟
ج- کشور من با یک چالش اساسی روبه‌رو است: بقا. رژیم ما امروز بیش از هر زمان دیگری با تهدید روبه‌رو است. امروز، اتحاد جماهیر شوروی به تاریخ پیوسته و چین با نظام غرب درآمیخته و ایالات متحده علناً گفته است که به دنبال تغییر رژیم در کشور من است و با همه اینها، ما بقا یافته‌ایم. چطور؟ چون با سلاح هسته‌ای برای خودمان سپری دفاعی ساخته‌ایم. این تنها ضامن بقای ما است. صدام حسین را ببینید، ببینید چه بلایی سر معمر قذافی آمد، بعد از اینکه پذیرفت برنامه تولید سلاح هسته‌ای خود را کنار بگذارد!؟

فرید زکریا
شاید زیرک، شاید استراتژیک
اندیشه پویا - شماره ۴۶، صفحه ۳۳

***

از دفتر خاطرات یک الاغ

نمی‌توانم جلوی خنده‌ام را بگیرم وقتی می‌شنوم که یک آدم به آدمِ دیگری بابت نفهمی‌اش می‌گوید: «الاغ!» به نظرم درِ بین حیوانات از ما فهمیده‌تر وجود ندارد. این جمله را از وقتی که پدربزرگم به پدرم گفت به خاطر دارم. پدربزرگم می‌گفت: «ما همیشه سر ساعت غذا می‌خوریم، سر ساعت می‌خوابیم و درست موقع جُفت‌گیری عاشق می‌شویم!» اما آدم‌ها که هیچ‌کدام از این امور را رعایت نمی‌کنند؛ موقع پرخاش به یکدیگر، اسم ما را برای طرفِ خود انتخاب می‌کنند!

پدرم در آخرین دیدار به من گفت: «خر بودن نعمتی است که از آدم‌ها دریغ شده و به خاطر همین آنها خیلی عصبانی هستند و موقع دشنام، خود را به نفهمی می‌زنند و حرف‌های بیهوده می‌گویند». امروز در طویله کناری، ماده خر جوانی را دیدم که حسابی چشمم را گرفت. ولی من خوب می‌دانم یک الاغ تا موقع جفت‌گیری عاشق نمی‌شود!

قبرس - طویله شماره ۱۳ - دسامبر ۲۰۰۲
علیرضا غفاری
دفتر خاطرات حیوانات
انتشارات سوره مهر - صفحه ۲۱

***

ترفندی برای ندیدن پوچی زندگی!

«اگر جهان فاقد معناست، پس چرا تعداد کسانی که این فقدان را درمی‌یابند این‌همه قلیل است؟»

پاسخ تلویحی کامو این است که آدم‌ها ماهرانه و مصرّانه خودشان را در باب ماهیت واقعی جهان فریب می‌دهند. آدم‌ها صحنه زندگی‌شان را با معناهای جعلی دکور می‌کنند و این هنر را در خود می‌پرورانند که زیاد عمیق نشوند. چنان سرگرم ایفای نقش‌های روزانه‌شان در همسری، پدری، مادری، دوستی، شغلی و... می‌شوند که دیگر نمی‌توانند پوچی را ببینند. برخاستن از خواب، تراموا، ۴ ساعت در اداره، غذا، تراموا، ۴ ساعت کار، خواب، و دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه، همه با همان آهنگ. اما پیش می‌آید که دکور فرو بریزد. یک روز «چرا» سر بلند می‌کند و همه چیز در خستگی و ملال آغاز می‌شود.

ریچارد کمبر / فلسفه کامو
خشایار دیهیمی
انتشارات طرح نو - صفحه ۱۲۹

گزارش «وطن امروز» به مناسبت آغاز چهل‌ودومین جشنواره فیلم کوتاه تهران

جشنی با حضور ستاره‌های فردا

آراز مطلب‌زاده

جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به عنوان یکی از برجسته‌ترین رویدادهای سینمایی ایران، نه‌تنها سکویی برای کشف استعدادهای نوظهور است، بلکه آیینه‌ای برای بازتاب فرهنگ، هویت و نوآوری‌های سینمایی کشور به شمار می‌رود. این جشنواره که بیش از ۴ دهه قدمت دارد، با پرورش نسل‌های جدید فیلمسازان و ایجاد پلی میان سینمای ایران و جهان، نقشی بی‌بدیل در ارتقای جایگاه فیلم کوتاه ایفا کرده است.

این جشنواره که امروز یکی از معتبرترین رویدادهای سینمایی کشور است، ریشه در تلاش‌های پیشگامانه دهه‌های گذشته دارد. یعنی کسانی که در دوره خود مسیری متفاوت از سینمای موسوم به فیلمفارسی را می‌پیمودند و در دوره فروپاشی آن مسیر بود که توانستند برای نخستین بار استعدادهای‌شان را بروز بدهند. در اوایل دهه ۱۳۵۰، با برگزاری «جشنواره بین‌المللی فیلم تهران»، بستری برای نمایش فیلم‌های کوتاه و بلند فراهم شد. همزمان، رقابت‌های فیلم‌های آماتور ۸ و ۱۶ میلی‌متری در قالب «جشنواره سینمای جوان استانی» در شهرهای مختلف ایران برگزار می‌شد. پس از انقلاب اسلامی، این رویداد در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ به عنوان بخشی از جشنواره فیلم فجر، تحت عنوان «بخش ۸ و ۱۶ م.م» ادامه یافت. سال ۱۳۶۵ با حمایت «انجمن سینمای جوانان ایران» این رویداد به «جشنواره سینمای جوان» تغییر نام داد. در سال ۱۳۷۵ با افزودن عنوان بین‌المللی و در سال ۱۳۷۶ با گنجاندن بخش فیلمنامه، جشنواره تخصصی‌تر شد. نهایتاً در سال ۱۳۷۸ با تمرکز انحصاری بر فیلم کوتاه و تغییر نام به «جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران» در سال ۱۳۸۲، این رویداد به جایگاه کنونی‌اش رسید. این جشنواره که هر سال در مهرماه (معمولاً از ۲۷ مهر تا ۲ آبان) برگزار می‌شود، در مکان‌هایی مانند پردیس سینمایی ایران‌مال و گاه شهرهای دیگر، میزبان صدها اثر ایرانی و بین‌المللی است. دوره فعلی جشنواره فیلم کوتاه با دبیری بهروز شعیبی و با اتکا بر شعار «خردمحوری و اندیشه‌ورزی»، بخش‌های نوآورانه‌ای مانند «هوش مصنوعی» و «واقعیت مجازی» در حال برگزاری است.

اهمیت جشنواره فیلم کوتاه تهران فراتر از یک رویداد سالانه است؛ این جشنواره به مثابه یک «مدرسه سینمایی» عمل می‌کند که با شبکه‌ای از ۶۰ دفتر استانی انجمن سینمای جوانان، استعدادهای جوان را از سراسر ایران شناسایی و پرورش می‌دهد. به گفته سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، این رویداد «فرصتی برای بازخوانی ظرفیت‌های فرهنگی ایران» و پلی برای پیوند هنرمندان ایرانی با جهان است. دریافت نشان «اسکار کوالیفایینگ» در سال‌های اخیر که به برنده بهترین فیلم داستانی شانس رقابت در اسکار می‌دهد، گواهی بر اعتبار جهانی جشنواره است. این اعتبار با نمایش آثار کلاسیک دهه‌های ۳۰ تا ۷۰ (در همکاری با فیلمخانه ملی ایران) و بخش‌های متنوعی مانند مقاومت، مستند و پویانمایی تقویت شده است. جشنواره نه‌تنها به کشف استعدادها کمک می‌کند، بلکه با حمایت مالی قابل‌توجه (مانند بودجه ۱۳ میلیارد تومانی در دوره اخیر)، امکان تولید آثار باکیفیت را فراهم می‌آورد. این حمایت، همراه با نمایش آثاری با موضوعات عمیق انسانی مانند هویت، مهاجرت و عدالت اجتماعی، جشنواره را به یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی ایران تبدیل کرده است. به قول بهروز شعیبی، دبیر جشنواره، «فیلم کوتاه زبان مشترک انسان‌هاست» که دغدغه‌های جهانی را با روایت‌های بومی پیوند می‌زند. ایرانی‌ها تعبیر معروفی دارند که مطابق آن فیلم کوتاه را رباعی‌های سینمایی می‌نامند و این را می‌توان از جنبه‌های بومی زیستن اما جهانی اندیشیدن دانست.

جشنواره فیلم کوتاه تهران با جذب فیلمسازان بین‌المللی و نمایش آثار در بخش‌های رقابتی و غیررقابتی، به گفت‌وگوی فرهنگی میان ملت‌ها کمک کرده است. این رویداد همچنین با تمرکز بر آموزش و کارگاه‌های تخصصی، به فیلمسازان جوان امکان می‌دهد تا مهارت‌های خود را با استانداردهای جهانی هماهنگ کنند. در نتیجه، جشنواره نه‌تنها آینده سینمای ایران را شکل می‌دهد، بلکه میراث فرهنگی کشور را در سطح جهانی حفظ و ترویج می‌کند.

■ **فیلم کوتاه و سینمای ایران؛ بذر سینمای ایران در کجا کاشته شد؟**

فیلم کوتاه در ایران، به دلیل ساختار فشرده و ماهیت تجربی‌اش، به عنوان «آزمایشگاه سینمایی» شناخته می‌شود. این قالب که از دهه ۱۳۴۰ با «سینمای آزاد ایران» شکل گرفت، پس از انقلاب با حمایت انجمن سینمای جوانان به مرکزی برای تولید مستقل تبدیل شد. فیلمسازانی مانند عباس کیارستمی، بهرام بیضایی و ناصر تقوایی، حرفه خود را با فیلم کوتاه آغاز کردند و آن را فضایی برای آزمون سبک‌ها و ایده‌های نو دانستند. برخلاف سینمای رسمی که همواره متاثر از متغیرهای مختلف از منویات سرمایه‌گذار تا ملاحظات ممیزی بوده است، فیلم کوتاه با هزینه تولید پایین و آزادی خلاقانه، به موضوعات عمیق اجتماعی مانند فقر، مهاجرت و هویت می‌پردازد. به یک معنا می‌توان اذعان کرد رابطه فیلم کوتاه با سینمای رسمی ایران، ترکیبی از تضاد و تکامل است. سینمای رسمی، بویژه در دهه ۹۰، با گرایش به آثار تجاری و عامه‌پسند، از فیلم کوتاه فاصله گرفت. برای مثال، در جشنواره فجر، فیلم‌های کوتاه اغلب در سانس‌های محدود و جداگانه نمایش داده می‌شوند؛ در دوره ۴۳ فجر، ۵۵ فیلم کوتاه و مستند در حاشیه بخش اصلی اکران شدند. این جدایی نشان‌دهنده چالش‌های فیلم کوتاه در ورود به جریان اصلی است. با این حال، فیلم کوتاه به عنوان خون تازه سینمای ایران عمل می‌کند که نهایتا پیکره سینما را شاداب تر و سرپا نگه می‌دارد. فیلم کوتاه نه‌تنها سکویی برای ورود به سینمای بلند است، بلکه با تولید هزاران اثر سالانه (حمایت‌شده توسط انجمن سینمای جوانان)، استعدادها را به جریان اصلی تزریق می‌کند. موفقیت‌های جهانی فیلم‌های کوتاه ایرانی، نشان‌دهنده ظرفیت این قالب برای رقابت در سطح بین‌المللی است. با این حال، فقدان حمایت‌های زیرساختی، مانند نمایش گسترده در سینماهای مردمی، همچنان مانعی برای دیده شدن این آثار در داخل کشور است. ناگفته پیداست برای تقویت پیوند میان فیلم کوتاه و سینمای رسمی، نیاز به سیاست‌گذاری‌های کلان وجود دارد. نمایش آثار کوتاه در سینماهای عمومی، افزایش بودجه تولید و ایجاد بخش‌های رقابتی پررنگ‌تر در جشنواره فجر می‌تواند این شکاف را پر کند. فیلم کوتاه، با روایت‌های موجز و تمرکز بر مسائل اجتماعی، نه‌تنها استعدادهای جدید را به سینمای ایران معرفی می‌کند، بلکه زبان مشترک هنر را در برابر محدودیت‌های تجاری حفظ می‌کند.

■ **چگونه می‌توان پرچم فیلم کوتاه را برافراشته‌تر کرد؟**

برای تقویت عرصه فیلم کوتاه در ایران و افزایش مخاطبان آن، نیاز به رویکردی چندوجهی است که هم به زیرساخت‌های تولید و نمایش توجه کند و هم به تعامل با مخاطب عام و متخصص. فیلم کوتاه، به دلیل ماهیت تجربی و مستقل خود، اغلب در حاشیه سینمای تجاری قرار می‌گیرد اما با سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و فناوری‌های نوین، می‌توان آن را به جریانی پویا و فراگیر تبدیل کرد.

نخست، تقویت زیرساخت‌های تولید از طریق افزایش حمایت مالی و آموزشی ضروری است. انجمن سینمای جوانان ایران، با شبکه ۶۰ دفتر استانی، می‌تواند با جذب بودجه‌های دولتی و خصوصی، امکان تولید فیلم‌های باکیفیت‌تر را فراهم کند. برای مثال، تخصیص بودجه‌ای مشابه ۱۳ میلیارد تومان دوره اخیر جشنواره فیلم کوتاه تهران، به صورت مستمر و هدفمند برای تولید آثار در مناطق محروم، می‌تواند استعدادهای جدید را از سراسر کشور به میدان آورد. همچنین برگزاری کارگاه‌های تخصصی با حضور فیلمسازان برجسته داخلی و بین‌المللی، مانند آنچه در جشنواره‌های خارجی رایج است، مهارت‌های فنی و خلاقانه فیلمسازان جوان را ارتقا می‌دهد.

دوم، نمایش گسترده‌تر فیلم‌های کوتاه در پلتفرم‌های عمومی و دیجیتال، کلیدی برای جذب مخاطب است. در حال حاضر، نمایش این آثار در ایران اغلب محدود به جشنواره‌ها یا سانس‌های حاشیه‌ای جشنواره فجر است. ایجاد بخش ویژه فیلم کوتاه در سینماهای مردمی، مانند پردیس‌های سینمایی ملت و ایران‌مال و اختصاص سانس‌های ثابت هفتگی، می‌تواند دسترسی مخاطبان عام را افزایش دهد. علاوه بر این، پلتفرم‌های آنلاین مانند فیلیمو و نماوا می‌توانند با ایجاد بخش اختصاصی برای فیلم‌های کوتاه و تبلیغ آنها از طریق کمپین‌های دیجیتال، مخاطبان جدیدی را جذب کنند. تجربه جهانی نشان داده پلتفرم‌های مختلف با ارائه کاتالوگ‌های متنوع فیلم کوتاه، توانسته‌اند مخاطبان جهانی را به این قالب علاقه‌مند کنند.

سوم، تقویت ارتباط با مخاطب از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی ضروری است. برگزاری رویدادهای عمومی مانند «شب‌های فیلم کوتاه» در دانشگاه‌ها، فرهنگسراها و کافه‌ها، همراه با جلسات نقد و گفت‌وگو با حضور کارگردانان، می‌تواند درک عمومی از این قالب را عمیق‌تر کند. این رویدادها، مشابه برنامه‌های «Short Film Night» در اروپا، می‌توانند با نمایش آثار برگزیده جشنواره‌های تهران، کن یا ساندنس، مخاطبان جوان را به سینمای کوتاه نزدیک‌تر کنند.

چهارم، استفاده از فناوری‌های نوین مانند واقعیت مجازی (VR) و هوش مصنوعی، که در دوره ۴۲ جشنواره تهران معرفی شدند، می‌تواند جذابیت بصری و روایی فیلم‌های کوتاه را افزایش دهد و نسل جدید را که به تجربه‌های تعاملی علاقه‌مند است، جذب کند.

پنجم، تقویت حضور بین‌المللی فیلم‌های کوتاه ایرانی از طریق ارسال هدفمند آثار به جشنواره‌های معتبر جهانی (مانند کلرمون‌فران، اوبرهاوزن و تامپره) و ایجاد شبکه‌های همکاری با تهیه‌کنندگان خارجی، می‌تواند اعتبار این آثار را بالا ببرد و مخاطبان جهانی را افزایش دهد. در نهایت، برای افزودن بر مخاطبان، باید به تبلیغات خلاقانه و برندسازی توجه کرد. کمپین‌های رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و توییتر، با استفاده از کلیپ‌های کوتاه و محتوای پشت‌صحنه، می‌توانند کنجکاوی مخاطبان را برانگیزند. همچنین همکاری با اینفلوئنسرهای فرهنگی و سینمایی برای معرفی آثار کوتاه می‌تواند نسل جوان را به این حوزه جذب کند. با اجرای این راهکارها، فیلم کوتاه نه‌تنها به عنوان آزمایشگاهی برای سینمای بلند، بلکه به عنوان جریانی مستقل و پرمخاطب در فرهنگ سینمایی ایران تثبیت خواهد شد و می‌تواند روایت‌های بومی را با زبانی جهانی به مخاطبان بیشتری عرضه کند. در ادامه به بررسی کارنامه و اهمیت ۵ فیلمساز برجسته‌ای می‌پردازیم که کار خود را از عرصه فیلم کوتاه آغاز کردند و نخستین بارقه‌های استعدادشان در همین جشنواره دیده شد.

■ **شهرام مکری؛ معمار روایت‌های غیرخطی**

شهرام مکری یکی از نوآورترین کارگردانان سینمای ایران است که با فیلم‌های کوتاه، سبک منحصربه‌فرد خود را پایه‌گذاری کرد. او با آثاری مانند «توفان سنجاقک» (برنده بهترین فیلم تجربی جشنواره تهران)، «محدوده دایره» و «خام، پخته، سوخته» (تندیس بهترین تجربی جشنواره تهران ۲۷) به عنوان رکورددار کسب سیمرغ بلورین در بخش کوتاه شناخته شد. حضور او در سینمای بلند با «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» (۱۳۸۶) آغاز شد اما «ماهی و گربه» (۱۳۹۲، برنده جایزه ویژه افق‌های ونیز) او را به شهرت جهانی رساند. این فیلم، با تک‌برداشت ۱۳۰ دقیقه‌ای و روایت غیرخطی، ساختار سینمایی را بازتعریف کرد. آثار بعدی مانند «هجوم» و «جنایت بی‌دقت» (جایزه بهترین فیلمنامه ونیز) با ترکیب پیچیدگی‌های روایی و مضامین فلسفی، سینمای تجربی ایران را به سطح جدیدی بردند. مکری که از کودکی عاشق نقاشی و ادبیات بود، با تلفیق این عناصر در سینما، به خلق جهان‌هایی بصری و مفهومی پرداخت که مرزهای ژانر را جابه‌جا کرد. اهمیت او در سینمای ایران، در توانایی‌اش برای تبدیل محدودیت‌های فیلم کوتاه به ابزاری برای نوآوری در سینمای بلند نهفته است.

■ **محمد کارت: صدای خراشیده حذف‌شدگان**

محمد کارت از تئاتر و مستندسازی به فیلم کوتاه رسید و سپس به یکی از تأثیرگذارترین کارگردانان سینمای اجتماعی ایران تبدیل شد. او با مستندهای اولیه مانند «پیله» و «سمفونی مرگ» و فیلم کوتاه «بچه‌خور» توانایی خود در روایت داستان‌های جنوب شهری را نشان داد. نخستین فیلم بلندش، «شنای پروانه» با روایت زندگی حاشیه‌نشینان و فروش بیش از ۱۲ میلیارد تومان، موفقیتی خیره‌کننده کسب کرد. سریال «یاغی» (۱۴۰۱، شبکه خانگی) نیز با استقبال گسترده، او را به عنوان صدای اقشار فرودست تثبیت کرد. کارت، که خود از دل طبقات متوسط رو به پایین برخاسته، با نگاهی واقع‌گرایانه و بدون قضاوت، مسائل اجتماعی مانند فقر و جرم را به تصویر می‌کشد. اهمیت او در سینمای ایران، در پل زدن میان سینمای کوتاه و تجاری است؛ او نشان داد که می‌توان با حفظ اصالت هنری، مخاطب عام را جذب کرد. کارت با مستندهایش، مانند «خون‌مردگی»، به مسائل اجتماعی عمیق پرداخته و با آثار بلند، این دغدغه‌ها را به جریان اصلی سینمای ایران تزریق کرده است.

■ **آیدا پناهنده؛ راوی داستان‌های زنانه**

آیدا پناهنده با تحصیل در رشته فیلمسازی و ادبیات، از فیلم کوتاه به عنوان ابزاری برای بیان دغدغه‌های زنان استفاده کرد. او با آثاری مانند «آن دست‌ها» (۱۳۸۴، بهترین نگاه نو جشنواره تهران) و «تاج خروس» (۱۳۸۷، بهترین داستانی خانه سینما) توانایی خود را نشان داد. داستان‌های کوتاهش در مجلاتی مانند «کارنامه» و «گلستانه» زمینه ادبی او را تقویت کرد. نخستین فیلم بلندش، «ناهید» (۱۳۹۴، برنده جایزه آینده نویدبخش کن)، با روایت زندگی زنی درگیر چالش‌های اجتماعی، او را به عنوان یکی از برجسته‌ترین کارگردانان زن ایران معرفی کرد. «اسرافیل» و «تی‌تی» نیز با تمرکز بر مسائل زنان، موفقیت‌های جهانی کسب کردند. سریال «در انتهای شب» (۱۴۰۲) نیز او را به شبکه خانگی آورد. پناهنده با نگاهی شاعرانه و روایت‌های عمیق، به مسائل جنسیتی و هویت در جامعه ایرانی پرداخته است. اهمیت او در سینمای ایران، در تقویت حضور زنان فیلمساز و خلق روایت‌هایی است که هم جهانی‌اند و هم ریشه در فرهنگ ایرانی دارند. او با آثارش، سینمای زنانه ایران را به سطحی جدید رسانده است.

■ **برادران ارک، جادوگران بصری تبریز**

بهمن و بهرام ارک دوقلوهای خلاقی هستند که با فیلم کوتاه «حیوان» (۱۳۹۶، برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم کوتاه فجر و جایزه سینه‌فونداسیون کن) به شهرت رسیدند. این فیلم، با روایت تراژیک مهاجرت و فضاسازی کابوس‌وار، جهانی اگزوتیک خلق کرد. نخستین فیلم بلندشان، «سویوق» (۱۳۹۵) و سپس «پوست» (۱۳۹۸)، (نشان عباس کیارستمی حافظ) با تلفیق فرهنگ عامه و سینمای مدرن، پدیده‌ای در جشنواره ۳۸ فجر بودند. آثار آنها که از ادبیات و فرهنگ آذری الهام گرفته، با مهارت در فضاسازی و ارجاعات بینارسانه‌ای، سینمای ایران را غنی کرده است. برادران ارک با استفاده از تجربه فیلم کوتاه، سبکی بصری و روایی خلق کردند که هم محلی است و هم جهانی. اهمیت آنها در سینمای ایران، در معرفی صدایی تازه از مناطق غیرمرکزی و بازتعریف ژانر وحشت و فانتزی در بستر فرهنگ ایرانی است. آنها با جسارت و نوآوری، ثابت کردند فیلم کوتاه می‌تواند به خلق جهان‌های سینمایی بزرگ منجر شود.

■ **امید شمس؛ فیلمساز جوان**

امید شمس فارغ‌التحصیل انجمن سینمای جوانان و مدرسه ملی سینما، با فیلم‌های کوتاه «گذر» (جوایز متعدد داخلی و خارجی)، «شب تولد» و «قرار» حرفه خود را آغاز کرد. ورود او به سینمای بلند با «ملاقات خصوصی» (۱۳۹۹) رخ داد که با فروش بیش از ۶۰ میلیارد تومان، پرفروش‌ترین فیلم اجتماعی تاریخ سینمای ایران در زمان خود شد. آثار کوتاه او، مانند «لئون» (سه‌دقیقه‌ای مدرسه ملی سینما)، نشان‌دهنده مهارتش در روایت‌های فشرده است. شمس همچنین به عنوان مشاور در «پوست» همکاری کرد. اهمیت او در سینمای ایران، در توانایی‌اش برای پیوند فیلم کوتاه با سینمای تجاری است. او با حفظ عمق هنری، مخاطب گسترده‌ای را جذب کرد و نشان داد که تجربه فیلم کوتاه می‌تواند به موفقیت‌های کلان تجاری منجر شود. شمس، به عنوان صدای نسل جوان، با روایت‌هایی از عشق و روابط انسانی، سینمای ایران را به سمت جریانی تازه هدایت کرده است.